

روش شناسی شرح و ترجمه فارسی شرف الدین یزدی (قرن نهم) بر برده بوسیری

۷۸-۸۹

Methodology of Sharaf od-Din Yazdi's Commentary on and Persian Translation of Al-Busiri's *Al-Burda*

By: Ali Akbar Forāti

Abstract: One of the most complete and valuable commentary on Sharaf od-Din al-Busiri's *Qasidat al-Burda* is Sharaf od-Din Ali Yazdi's, the ninth century scholar whose death date is not known; however, it is certain that he died in the middle of the ninth century and has various works such as *Zafarnāme*. The present essay seeks to answer the following question: What methods did the commentator use in describing the ode? Yazdi's commentary is in Persian, and its introduction, titled "al-tanbihāt", includes twenty tanbih (remarks) with regard to the position of the Prophet (Peace be upon him) and his mystical status in the universe. This commentary consists of three levels. The first one or the word level titled "al-mufardāt" is the literal explanation of the verses, accompanied by morphological points, and sometimes refers to the dictionaries. The second level which is titled "at-tarkib" contains the syntactic and rhetorical points of the verses, and also talks about conjunction and disjunction. The third level is called "hāsel al-fahvā" and is about the meaning and translation of the verses based on the two preceding levels, as well as about the relationship between the verses. This commentary has five manuscripts. It has been attributed to another person named Abdulwahhāb Istarābādī by mistake; however, after studying and comparing, one can definitely conclude that it belongs to Yazdi.

Key words: Sharaf od-Din Ali Yazdi, the Persian commentary of *al-Burda*, *Qasidat al-Burda*, al-Busiri.

علی اکبر فراتی

استادیار دانشگاه تهران

معصومه علی محمدی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

أُسلوب شرف الدین الیزدی (ق ۹ هـ) فی شرح قصیده البُرْدَة للبوصیری وترجمتها للغة الفارسیة

المختص: من الشروح الكاملة والقيمة لقصيدة البُرْدَة التي نظمها شرف الدين البوصيري (م ۶۹۶ هـ) هو شرح شرف الدين علي اليزدي، أحد علماء القرن التاسع الهجري والذي لم يتم تحديد سنة وفاته بالدقة التامة، مع أن المسلم أنه قد توفي في منتصف القرن التاسع، بعد أن ترك وراءه عدداً من الآثار المختلفة التي حمل أحدها عنوان ظفرنامه.

والمقال الحالي يهدف إلى الإجابة عن السؤال التالي: ما هو الأسلوب الذي اتبعه الشارح، والمنهج الذي سار عليه في شرحه للقصيدة؟

وقد كتب اليزدي شرحه باللغة الفارسية، وقدم له مقدمات بعنوان (تنبيهات) بلغ عددها عشرون تنبيهاً، تحدث فيها عن مكانة الرسول الأكرم صلى الله عليه وآله ومراتبه العرفانية ومنزلته في عالم الوجود.

والمنهج الذي اتبعه الشارح في تقديم عمله للقارئ هو العمل في إطار ثلاث مستويات، والمستوى الأول هو الذي يأتي تحت عنوان (المفردات) والذي يتضمن بيان المعنى اللغوي للأبيات مع بعض الملاحظات الصرفية المقترنة أحياناً بالإسناد إلى الكتب اللغوية.

والمستوى الثاني هو الذي يأتي تحت عنوان (التركيب) ويتضمن التوضيحات النحوية والبلاغية للأبيات مع بيان بعض الأمور كالفصل والوصل.

والمستوى الثالث والأخير هو الذي يأتي تحت عنوان (حاصل الفحوى) وفيه يقوم الشارح ببيان معنى الأبيات وترجمتها للغة الفارسية استناداً إلى المستويين السابقين، مع بيان صلة كل بيت بما سبقه من الأبيات وما يتلوها منها.

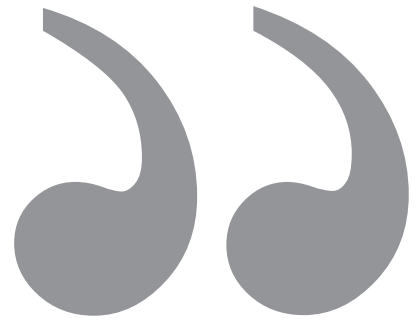
والموجود من هذا الشرح هو خمس نسخ، وهي منسوبة اشتباهاً إلى شخص آخر يدعى عبد الوهاب الاسترآبادي، مع أن البحث والمقارنة يؤكدان بما لا يقبل الشك أن الشرح يعود إلى اليزدي.

المفردات الأساسية: شرف الدين علي اليزدي، الشرح الفارسي لقصيدة البُرْدَة، قصيدة البُرْدَة للبوصيري، المدائح النبوية.

چکیده: یکی از شرحهای کامل و ارزشمند برقصیده

برده شرف الدین بوسیری (درگذشته ۶۹۶ هـ)، شرح دانشمند قرن نهم هجری شرف الدین علی یزدی است که تاریخ دقیق وفات او مشخص نیست، مسلم آن است که وی در نیمه قرن نهم درگذشته است، و صاحب آثار مختلفی مانند ظفرنامه است. این نوشته در پی پاسخ به این سوال است که: شارح در شرح قصیده از چه روش و شیوههایی بهره برده است؟ شرح یزدی به زبان فارسی است و با مقدماتی تحت عنوان تنبیهات (بیست تنبیه) در جایگاه پیامبر اکرم (ص) و مراتب عرفانی و جایگاه ایشان در جهان هستی است. شرح در سه سطح است، سطح واژه تحت عنوان «المفردات» که بیان لغوی ابیات است، و با نکات صرفی همراه است و گاه به کتب لغوی مستند میگردد. سطح دوم شامل نکات نحوی و بلاغی ابیات است، و مواردی چون فصل و وصل را ذکر میکند، و تحت عنوان «التركيب» است. سطح سوم به نام «حاصل الفحوى» است که به بیان معنا و ترجمه ابیات براساس دو سطح پیشین است، و ارتباط ابیات پس و پیش باهم را میآورد. این شرح دارای پنج نسخه است. این شرح به اشتباه به شخص دیگری به نام عبد الوهاب استرآبادی نسبت داده شده است، ولی در بررسی و مقایسه به قطع میتوان شرح را از آن یزدی دانست.

کلیدواژه: شرف الدین علی یزدی، شرح فارسی برده، قصیده برده، بوسیری، مدایح نبوی.



درآمد

یکی از مهم‌ترین و مشهورترین مباحث نبوی از نظراقبال مترجمان و شارحان و پژوهشگران بدان، قصیده شرف‌الدین بوسیری (درگذشته ۶۹۶ هـ) معروف به برده است. سده نهم هجری در خود چند شرح از برده را به یادگار دارد که شاید این شرح از مفصل‌ترین آنها باشد. مرحوم محدث نیز از این شرح با این عنوان یاد کرده است.^۱ در این میان یکی از مشاهیر ادیبان در ترسل و انشا و از عالمان نامدار این دوره شرف‌الدین علی یزدی است که او را بیشتر با ظفرنامه تیموری شناخته‌اند. در این مقاله به معرفی و روش شناسی شرح دست‌نویس یزدی بر برده پرداخته شده است.

ملاحظه: نسخه‌ای که در این مقاله به آن استناد و ارجاع داده شده، به دلیل خوانابودن، کامل بودن و تاریخ کتابت، نسخه دانشگاه فردوسی مشهد به شماره ۶۰۱ است.

سؤال‌های تحقیق

۱. مؤلف شرح حاضر کیست؟ چه مستنداتی در این باره می‌توان ارائه کرد؟
۲. روش شارح در شرح قصیده برده چطور ارزیابی می‌شود؟

پیشینه تحقیق

تا کنون درباره شرح حاضر پژوهشی انجام نشده و تنها در کتب تراجم یا مخطوطات از آن یاد شده است. درباره مؤلف، شرح و روش وی نیز هیچ اثری قلمی نشده است، اما درباره زندگی شرف‌الدین یزدی مدخلی در دایرةالمعارف وجود دارد و نیز در نشریه آشنا مقاله‌ای به نام «شرح احوال و آثار شرف‌الدین علی یزدی» نوشته محمدکاظم کهدویی هست.^۲ همچنین مقاله‌ای با عنوان «شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامه او»، نوشته حسین احمدی در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا^۳ وجود دارد.

مؤلف شرح

در صفحات ثبت مشخصات نسخه‌ها به اختلاف در نام شارح برمی‌خوریم:

۱. شرف‌الدین علی یزدی صاحب ظفرنامه تیموری
۲. امیر عبدالوهاب بن طاهر بن علی بن داود حسینی استرآبادی

این شرح را شیخ آقابزرگ به اشتباه به استرآبادی نسبت داده است^۴ و برخی از نسخه‌های شرح نیز به نام استرآبادی ثبت شده است. برای سبب این اختلاف، سه امر محتمل است: ۱. ذکر نشدن نام شارح در آغاز یا انجام نسخه ۲. اشتراک هر دو نفر در شرح قصیده

۱. محدث، علی، شرح قصیده برده، ص ۷.

۲. کهنودی، محمدکاظم، «شرح احوال و آثار شرف‌الدین یزدی»، ش ۱۳، ص ۷۲-۸۰.

۳. احمدی، حسین، «شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامه او»، ج ۳۴، ص ۲۱-۲۴.

۴. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، ج ۱۴، ص ۶.

برده ۳. معاصرت و هم‌روزگاری آن دو در قرن نهم.

بررسی محتوای کتاب نشانگر صحت قول نخست است، لذا شرح به دلایل ذیل از آن شرف‌الدین یزدی صاحب ظفرنامه است:

۱. شرح استرآبادی بر برده، مختصر و در ۱۶ برگ (۳۲ صفحه) در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۱۰۷۹۹ ضمن مجموعه‌ای موجود است و با شرح حاضر تفاوت آشکار دارد. استرآبادی در مقدمه نام خود را آورده است. ضمناً برای او دو شرح بر برده ذکر نکرده‌اند. حال آنکه در کتب تراجم برای یزدی شرحی مفصل بر قصیده برده ذکر شده است.

۲. کتاب حُلل مطرّز که از آثار یزدی است، در دو جای شرح به عنوان کتاب شارح ذکر شده است. نخست در تنبیه هشتم، (نسخه، تنبیه ۸، برگ ۶) دوم: در حاصل الفحوی در شرح بیت‌های ۸۶ و ۸۷، (همان، برگ ۶۷) سوم در مفردات بیت‌های ۱۰۹ و ۱۱۰. (همان، برگ ۸۱)

زندگینامه شرف‌الدین علی یزدی

ملا شرف‌الدین علی تفتی یزدی معروف به معمائی و متخلص به شرف در شعره منشی بلیغ و سراینده‌ای فصیح بود و در فن انشا و نگارندگی بر تمام منشیان عصرش برتری یافته و در فنون علمیه با دیگر اعلام همگامی می‌کرده است.^۵ برخی به دلیل بیت شعری او را از سادات دانسته‌اند.^۶ تاریخ ولادت او روشن نیست. او در روزگار امیر تیمور گورکان، بلکه پس از او هم می‌زیسته است.^۷ به روزگار سلطان ابراهیم بن شاه رخ در فارس و عراق مرجع فضلا و اکابر بوده. شاه‌زاده همواره طالب صحبت شریفش بودی و اعتقاد تمام داشتی.^۸ صاحب تذکره شعرای یزد می‌نویسد:

در زمان سلطنت امیر تیمور گورکانی ابتدا در یزد می‌زیسته، ولی صیت شهرتش در آفاق منتشر گشته به کمال دانش و سخنوری معروف بوده است. شرف‌الدین برای کمک به الغ بیک و اتمام رصدخانه سمرقند به جانب ماوراءالنهر فرستاده شد، بعد از فوت امیر تیمور به یزد مراجعت کرده و سپس بقیه عمر خود را در تفت از توابع یزد گذرانیده و اواخر عمر عزلت اختیار نموده و در خانقاه تفت به طاعت و عبادت مشغول گشته است.^۹

او در روزگار امیر تیمور گورکان، بلکه پس از او هم می‌زیسته است.^{۱۰} این مرد از علمای بزرگ شیعه امامیه است، لیکن مانند بسیاری از همگامان او به بالای تقیه گرفتار شده بود.^{۱۱} دیگرانی نیز همین نظر را به نقل از صاحب ریاض العلماء آورده‌اند.^{۱۲}

وی در قریه تفت یزد درگذشت.^{۱۳} درباره تاریخ وفات او اختلاف وجود دارد، لذا برخی گفته‌اند: آخر الامر در اوسط مائه تاسع به دار عقبی گرایید.^{۱۴} بنا به قولی او در ۸۳۰ وفات یافته است.^{۱۵} برخی دیگر وفات او را ۸۵۰ گفته‌اند.^{۱۶} قول اول نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا اتمام نگارش ظفرنامه در ۸۴۸ بوده است. پس قول دوم صحیح‌تر است.^{۱۷} ریاض

۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۱۰۲.

۶. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۳۵۸.

۷. کهنودی، محمد کاظم، «شرح احوال و آثار شرف‌الدین یزدی»، ش ۱۳، ص ۷۲-۸۰.

۸. همان.

۹. لودی، شیرعلیخان، تذکره مرآة الخیال، ج ۱، ص ۵۴.

۱۰. فتوحی یزدی، عباس، تذکره شعرای یزد (مقدمه ایرج افشار)، ص ۲۰.

۱۱. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۳۵۸.

۱۲. همان، ص ۳۵۹.

۱۳. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، ج ۳، ص ۲۴۴؛ امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۷۱.

۱۴. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ص ۳۵۹.

۱۵. گوپاموی، محمد قدرت‌الله، تذکره نتائج الافکار، ص ۴۱۷.

۱۶. افندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ص ۳۶۰.

۱۷. حاجی خلیفه، مصطفی، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، ج ۱، ص ۲۹۰.

۱۸. امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۷۱.

العارفین وفاتش را ۸۵۶ گفته است.^{۱۹}

از آثار اوست: ۱. ظفرنامه در تاریخ تیموریان ۲. حلال مطرز در معما و لغز ۳. منتخب حلال ۴. مواظن یا مناظر در معما ۵. کنه الزاد در علم وفق اعداد ۶. الکتاب فی علم الاسطرلاب ۷. حقایق التحلیل ۸. شرح اسماء الله ۹. تحفة الفقیر و هدیه الحقیق ۱۰. منشات ۱۱. دیوان شعر.^{۲۰}

دورنمای شرح یزدی بربرده

شرح یزدی شامل بخش‌های ذیل است:

۱. **خطبه شرح:** خطبه آغازین با حمد و ثنای الهی و درود و صلوات بر پیامبر اعظم (ص) و خاندان پاکش آغاز می‌شود. وی انگیزه خود در شرح را امتثال امر سلطان محمد بهادر از سلاطین و شاهزادگان تیموری گفته است. وی شرح چنین قصیده‌ای را نیازمند بیان مقدمات و اصولی چند به نام تنبیهات خوانده است.

۲. **تنبیهات:** وی پس از دیباچه، توضیحاتی با عنوان «تنبیهات» مشتمل بر بیست «تنبیه» در کرامات و فضایل پیامبر (ص) و نیز مسائل عرفانی و مقامات نبوی آورده است که از نظر ادبیات صوفیانه سده نهم هجری و نیز مضامین آن قابل پژوهش است.

۳. **متن شرح:** وی قصیده را پس از آوردن ابیات که به فراخور مضامین و ارتباط مفهومی از یک یا چند بیت را در هر فقره شامل می‌شود، در سه بخش توضیح و تفصیل می‌دهد: مفردات، ترکیب و حاصل الفحوی.

۴. **خاتمه:** تنها خاتمه شرح سخنی است متصل به حاصل الفحوای بیت پایانی، درباره کیفیت صلوات بر پیامبر و لزوم عطف «آل». و نه زوج و اصحاب. به نام پیامبر. سپس توفیق خود به این صلوات را بیان کند:

بحمدالله تعالی در مواضعی که خامه به ثبت آن استسعاد یافته، فایز گشته به توفیق اقتدا... (نسخه، برگ ۱۰۸)

روش یزدی در شرح برده

شارح پس از ایراد تنبیهات بیست‌گانه، شرح را آغازیده و به تفصیل به شرح آن پرداخته است. شارح خود در پی تنبیهات و پیش از شروع شرح، روش خود را چنین بیان می‌کند:

... چون از آیات کمال اخلاص ناظم و صدق نیتش - جعل الله سعیه مشکورا ثم لقاءه نصره و سرورا - شمول قبول این قصیده حمیده است و وفور توجه خواطر و همم به حفظ و قرائت آن در عرب و عجم او را شروح بسیار فایده ساخته‌اند، و ترجمه‌های فصیح بلوغ پرداخته‌اند، و در تحقیقات و تدقیقات متعلق به فنون عربیت و ادبیات غایت جهد مبذول داشته، و هیچ از وظایف سعی جمیل به کثیر و قلیل نامرعی نگذاشته، و با تحقق این حال در این مجال از مقوله فضلیات، ایراد غیر از آنچه تبیین معنی بیت را از آن گزیر نباشد، نزد زیرکان، دلپذیر نیفتد، لاجرم وجهه قصد آنکه عمده در مسرّح اندیشه و مطرح انوارش امری بود که به علو مراد و معنی مستفاد از فواید کثیر العواید عاید شود، و تطبیق آن بر قواعد و فواید اهل کشف و تحقیق.

بنابراین از وجوه محتمله اعرابی، به ذکر وجهی انساب به سیاق سخن اکتفا خواهد رفت، و در ترجمه مفردات آنچه مأخذش در کتاب مصادر مفسر اصل و مشتق منه صیغ متنوع متکثر یافت شود، منقول گردد، و در هر فریده با حاصل مغزا و فحوایی گزارش پذیرد روشن و مبین به سه اسلوب از کلام برای اعلام و احوال و احکام ماده و صورت و غایت نسبت با مقصد و مرام و من الله الإعانة و به الاعتصام.

۱۹. جناب، علی، رجال و مشاهیر اصفهان (الاصفهان)، ص ۶۱۰.

۲۰. احمدی، حسین، «شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامه او»، ص ۲۱-۲۴.

روش‌شناسی شرح و ترجمه فارسی شرف‌الدین یزدی (قرن نهم)، بر برده بوضیری: نقـوبـرسی، دکتـر... ۱۳

و در هر مقام که بر حسب «الكلام يجزأ الكلام» فایده مجدد سنوح باید از یقینیات ذوقی یا اقناعیات خطابی یا مخیلات شعری که فی الجمله از نکته خالی نبود ثبتش، گلگونه چهره مخدیره بیان گردد... (همان، برگ ۱۴)

با این مقدمه به روش وی در سطوح سه‌گانه می‌پردازیم.

سطح نخست: واژگان با عنوان «المفردات»

بیان واژگان مفردة ابیات در دو بخش معجمی و صرفی به شرح ذیل جای می‌گیرد:

۱. فعل و شبه فعل: در افعال و مشتقات، مصادر آن را شرح می‌کند. در فعل غیر ثلاثی به بیان مصدر و معنا اکتفا می‌کند و در فعل ثلاثی ضمن ذکر مصدر یا مصادر مستعمل آن و معنای هر کدام، باب ثلاثی آن را نیز بیان می‌دارد تا نکات صرفی را در کنار معنا گفته باشد. برای مثال می‌گوید: از اول، از دوم تا ششم. شارح در مقدمه اشاره‌ای به چگونگی این ابواب و مفهوم آن ندارد، اما این ابواب ثلاثی شش‌گانه همان شیوه معهود نزد صرفیان و لغویان است.^۱ این شش باب به قرار زیر است:

الف) باب اول: فتح و ضمّ (فتح عین الفعل در ماضی و ضمّ آن در مضارع):

مثلاً در شرح مفردات بیت سوم «فَمَا لِعَيْتَيْكَ إِذْ قُلْتَ أَكْفُفَا...» می‌گوید:

الْقَوْلُ وَالْمَقَالُ: گفتن، و از او اراده عنایت نمایند، و اینجا چنان است... الكَفُّ: باز ایستادن و

بازداشتن، هر دو از اوّل. (نسخه، برگ ۱۶)

ب) باب دوم: فتح و کسر (فتح عین الفعل در ماضی و کسر آن در مضارع):

در بیان «شَبَّ» و «الرَّضَاعُ» و «تَفْطَمَهُ» از بیت ۱۸ «وَالنَّفْسُ كَالطِّفْلِ...» می‌آورد:

الشَّبَابُ، وَالشَّبِيبَةُ: بالیدن کودک. الرِّضَاعُ بالفتح: شیر خوردن. الفِطَامُ: از شیر باز کردن، هر سه از

دوم. (همان، برگ ۲۲)

ج) باب سوم: فتح تحتان (فتح عین الفعل در ماضی و نیز در مضارع):

شارح در بیت ۱۱ «مَحْضُتَنِي التُّصْحُ...» می‌گوید:

المَحْضُ: ویژه کردن، از سوم... التُّصْحُ وَالنَّصَاحَةُ بالفتح: نصیحت کردن، يُعَدَّى باللام، و بنفسه،

و باللام أجود، از سوم. (همان، برگ ۲۱)

د) باب چهارم: کسر و فتح (کسر عین الفعل در ماضی و فتح آن در مضارع):

در بیت ۲۳ «وَأَسْتَفْرِغِ الدَّمْعَ...» می‌خوانیم:

الْفَرَاغُ: ریخته شدن آب، از چهارم؛ و اسْتَفْرَغُ: اینجا طلب آن است... اللُّزُومُ: لازم شدن، یعدی

بنفسه و بالباء، از چهارم... التَّدْمُ وَالنَّدَامَةُ: پشیمان شدن، از چهارم، و یعدی بـ«علی». (همان،

برگ ۲۸)

و) باب پنجم: ضمّ تحتان (ضمّ عین الفعل در ماضی و نیز در مضارع):

در قصیده فعلی از باب پنجم نیامده و فقط وصف و شبه فعل یا مصدر وجود دارد، برای مثال در الفاظ شرف و عظم

در بیت ۴۴ «وَأُنْسَبُ إِلَى ذَاتِهِ...» می‌گوید:

شَرَفٌ: علو است و بلندی؛ و الشَّرَفُ: بزرگواری شدن، از پنجم... العِظَمُ: بزرگواری شدن، از پنجم.

(همان، برگ ۴۱)

ز) باب ششم: کسر تان (کسر عین الفعل در ماضی و نیز در مضارع):

۱. رازی، محمد بن ابی بکر، مختار الصحاح، ص ۱۵ و ۱۶؛ مدرّس افغانی، محمد علی، جامع المقدمات، کتاب التصریف، ج ۱، ص ۱۳۲.

نقو و بربرسی دکت...: روش شناسی شرح و ترجمه فارسی شرف الدین یزدی (قرن نهم) بر بردة بوصیری

به طور کلی کاربرد این باب در عربی کم است و به تبع آن در قصیده کمتر است. در بیت ۱۳۶ «وَلَنْ تَرَى مِنْ وَلِيٍّ...» در معنی ولی دو مصدر آورده و گفته است:

الْوَلِيُّ: نزدیک شدن. الْوَالِيَّةُ: بالفتح والكسر: والی شدن و دوست داشتن؛ وَالْأُولَى فِي الْأُولَى الْفَتْحُ، وَ النِّعْتُ مِنْهُ وَالِ، وَ فِي الثَّانِي الْكَسْرُ، وَ النِّعْتُ وَ لِيٍّ، وَ كَلَامُ الْمَصْدَرَيْنِ مِنَ السَّادِسِ. (همان، برگ ۹۲)

اگر دو یا چند باب در فعلی مستعمل است، یادآور می شود که مثلاً در «لَا تَقْنُطِي» از بیت ۱۵۵ «يَا نَفْسُ لَا تَقْنُطِي مِنْ زَلَّةٍ عَظُمَتْ...» گوید:

القنوط: نومید شدن و جمله ابواب از وی مستعمل است، مگر بنجم و مصدر چهارم القنط و القنطرة است و سوم و ششم مرکب است. (همان، برگ ۱۰۴)

۲. اسم‌ها: نکات صرفی از قبیل تأنیث و تذکیر، افراد و جمع و مانند آن را بیان می کند و معنی آن را می آورد. قابل توجه در بیان اسم‌ها بیان فروق اللغات و تفاوت میان واژه‌ها است. اسم‌های مشتق و مصادر مانند افعال شرح می شود.

نمونه‌ای از بیان اسم: در بیان «ضرة» در بیت ۱۵۴ گفته است:

دو عروس یا زیاده که در حباله یک شوهر باشند، هریک را ضرة آن دیگر گویند، مأخوذ از مضرة که میل به هریک را اعراض از آن دیگر که از او متضرر خواهد گشت، لازم است. (همان، برگ ۱۰۲)

امتیازات شرح لغوی

۱. بیان دقایق لغوی

وی در بیان معانی مفردات بسیار دقیق است، ضمن استنادات و استشهادات، دقایق لغوی و ظرافت‌های معنایی واژه‌ها را متناسب با همنشینان هرواژه و بافت ابیات آورده است. در بیان «طفل» در بیت ۱۸ گوید:

طفل: کودک است، مادام که از شیربی نیاز نباشد، قال الراغب: «الطفل الولد ما دام ناعماً».

(نسخه، برگ ۲۲)

نیز در بیان قطف در بیت ۱۵۱ «وَلَمْ أَرِدْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا الَّتِي اقْتَطَفْتُ...» آورده است:

القطف: میوه و انگور بار کردن، از دوم؛ و چون مرغوبات دنیوی به «زهرة الدنيا» معبر شده، تعبیر از آخذ آن به «قطف» مناسب افتد و زیاده اللفظ لزیادة المعنی. (همان، برگ ۱۰۱)

۲. بیان معنی مجازی یا کنایی

تبیین مجازات، تعابیر کنایی و اصطلاحی، امثال و مانند آن در شرح وی بسیار نمود دارد. در بیت ۱۱۹ «...لَحْمًا عَلَى وَصْمٍ» گوید:

وصم: چیزی که گوشت بر بالای آن نهند از چوب یا سنگ تا نیالاید به زمین، و چون اعراب را عادت بوده که اشتیری را ذبح کرده، به ده پاره می کردند، و هریک بر سر چوبی یا سنگی می نهادند، و به نوعی قمار که در محلش کیفیت آن شرح پذیرفته مشغول می شدند، و تا آخر لعب، کودکان و غلامان و کنیزان قبیله را که تراشی کردند، کس مانع نمی شد. لحم علی وصم: نزد عرب کنایت است از غایت ضعف و عجز از دفع تعرض معارض از خود. (همان، برگ ۸۵)

در بیت ۱۴۷ «...أَخَذًا بِيَدِي...» می خوانیم:

الأخذ: فاگرفتن، یعدی بالباء و بنفسه، و أخذ ید کنایتی مشهور است از معاذت و فریادرسی. (همان، برگ ۹۹)

در بیت ۳۱ «...فأراها أَيْمًا شَمَمٌ» می گوید:

... اصل معنی شَمَم ارتفاع است و بلندی؛ و در انف بلندی قصبه بینی است با همواری بالای آن، و وصف انف به شمم نزد عرب کنایت است از عزت نفس، و میل نمودن جز به مراتب بلند و امور ارجمند. (همان، برگ ۳۰)

در بیت ۱۰۱ «كَأَنَّهَا الْحَوْضُ تَبَيَّضُ الْوَجْهُ» به ... در تبیین تشبیه گوید:

و در صحاح احادیث به روایات متنوع ورود یافته که در روز قیامت جمع گناه‌کاران را بعد از نجات و رستگاری از دوزخ، روی از سوختگی سیاه باشد، و چون به جویی از جوی های بهشت درآیند روی ایشان سفید گردد، و در غایت خوبی و زیبایی بود، و این هم وارد است که منبع انهار جنت حوض کوثر است؛ و الكوثر نهض من أنهار الجنة نیز مروری است. بنابراین آیات قرآنی که قرائتش سبب سفیدرویی قاری است در دنیا و آخرت تشبیه رفته به حوض کوثر. (همان، برگ ۷۴ و ۷۵)

۳. بیان فروق اللغات

از مواردی که جزء دقایق لغوی شرح به شمار می‌رود، فروق اللغات است. برای نمونه در بیت ۱۱۹، فرق میان «قناة» و «رمح» را می‌گوید:

قنا: که یکی از آن را قنای گویند، شجری است که از آن نیزه سازند، و بعد از ضم سنن به آن رمح خوانند، و تعبیر از رمح به فنا، کما وقع هنا، شیوعی تمام دارد. (همان، برگ ۸۵)

۴. بیان واژه در سیاق و بافت

بیان معنای الفاظ در سیاق و بافت از ویژگی‌های شرح است. در معنی قَرَم در بیت ۱۲۲: «... بِكَلِّ قَرَمٍ إِلَى لَحْمِ الْعِدَا قَرَمٍ» گوید:

قَرَم را معنی حقیقی فحل گرامی از جنس اشتراست که او را نیکورعایت نمایند، و هیچ کار نفرمایند، و بر بزرگ و پیشوای قوم اطلاق رود به مجاز، و هو المراد ههنا. (همان، برگ ۸۷)

در بیت ۸۶ «وَأُخِيَّتِ السَّنَةُ الشَّهْبَاءُ...» می‌گوید:

سَنَة: که در اصل سَنَهَة بوده به حذف هاء، یا سَنَوَة به حذف واو علی اختلاف القولین، سال است، و افتد که از او سال قحطی و تنگی اراده کنند... و قرینه این معنا است وصفش اینجا به شهباء: که فعلاء صفت است از شهباء که اصل معنی او بیاضی است مختلط به سواد، چه؛ هامون در چنان سال از سپیدی گیاه خشک و رنگ زمین، آشهب نماید. (همان، برگ ۶۶)

۵. اختلاف نسخه

وی در بیان مفردات در موارد متعدد به نسخه‌های دیگر اشاره می‌کند و مفهوم هریک را در صورت تفاوت بیان می‌دارد.

در بیت ۱۳۴: «... فَمَا تُفَرِّقُ بَيْنَ الْبُهِمِّ وَالْبُهِمِّ»، برای فعل «تُفَرِّقُ» می‌گوید: ... و از این نقل برخلاف معهود مقصود آنکه در نسخ متعدد «تُفَرِّقُ» به صیغه ماضی از باب تفعّل تصحیح یافته. (همان، برگ ۹۲)

در جای دیگر در شرح بیت ۱۴۴ «وَمَنْ يَبِغْ أَجَلًا مِنْهُ بِعَاجِلِهِ...» گوید:

أَجَلٌ وَأَجَلَةٌ: ضدّ عاجل و عاجلة است، و شارحی که به صحیح روایتش وثوقی تمام هست عاجله را به صیغه مؤنث رانده نه مذکر مضاف به ضمیر، چنانچه در نسخ متعدد تصحیح یافته، و حمل بر دنیا فرموده... (همان، برگ ۹۷)

۶. استشهاد به آیات قرآن و متون نظم و نثر

وی گاه به استعمال قرآنی که دیدیم یا به متون دیگر نظم و نثر عربی از جمله دیوان متنبی استشهاد کرده است.

در شرح کلمه «بان» در بیت ۵ «... ولا أرفقت لذكر البان والعلم» گوید:

بان: درختی است به اعتدال برآمده که قد خوبان را به آن تشبیه کنند. قال المتنبي: بدت قمراً
ومالت حووظ بان * وفاحت عنبراً وزنت غزالا. (همان، برگ ۱۷)

۷. استناد به منابع لغوی

از امتیازات شرح یزدی استناد به کتب لغت و منابع لغوی به شرح ذیل است:

الف) مفردات الفاظ القرآن: راغب اصفهانی (م ۴۲۵)

وی بارها از «قال الراغب»، بهره برده است. گاه نیز گزارشی از مفردات می آورد. برای مثال در بیت ۱۴۳ «... لم تشتر
الدین بالدنیا...» گوید:

الشراء والشراء والاشتراء: خریدن و فروختن، و کذا البیع کلاهما من الثانی، ومحصل آن چه از مفردات
راغب (الراغب، ۱۴۱۲: ۴۵۳) مستفاد می شود آنکه شری و بیع متلازمان اند، و مشتری دهنده
بهاست و ستاننده کالا، و باع به عکس... (همان، برگ ۹۷)

ب) الصحاح: جوهری (م ۳۹۳)

از منابع مهم لغوی شارح کتاب الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية است. در بیت ۱۵ «... منه بالکتب» آمده است:
کتب: ورق نیلج است، فی الصحاح: «الکتب [بالتحریر] نبت یخلط بالوسمة یختصب به.
(الجوهری، ۱۳۷۶، ۵: ۲۰۱۹)» (همان، برگ ۲۱)

ج) اساس البلاغة: زمخشری (م ۵۳۸)

از این کتاب با الفاظ: «فی الأساس» یا «قال صاحب الأساس» و «صاحب الأساس فی مجازاته» بیان لغت کرده
است. در بیت ۱۴ «... غیر مُحْتَشِم» می گوید:
الاحتشام: از کسی حشمت داشتن، و یعدی بنفسه، و با «من». فی الأساس: «أنا أحتشمت وأحتشمت
منك، وما یمنعني إلا الحشمة». (الزمخشری، ۱۹۷۹: ۱۲۷)». (همان، برگ ۲۱)

د) الفائق فی غریب الحدیث: زمخشری

تنها یک بار در واژه «دیمه» در بیت ۳۹ «وَكُلُّهُمْ مِنْ رُسُولٍ... مِنْ الدِّيمِ» از آن نقل کرده است:
دیم: جمع دیمه است و آن بارانی که فیضانش یک شبانروز بود یا زیاده. فی الفائق: «الدِّيمَةُ: المطر
یَدُومُ أياماً لا یُقَلِّعُ؛ فهي فَعْلَةٌ مِنَ الدَّوامِ (الزمخشری، ۱۴۱۷، ۱: ۳۸۶)». (همان، برگ ۳۷)
همچنین به شارحان دیگر بدون ذکر نام استناد کرده است؛ چنان که در مثال های پیشین گذشت. (نسخه، برگ ۹۲؛
همان، برگ ۹۷) این امر نشان از بهره مندی شارح از شروح دیگر دارد.

سطح دوم: دستور زبان و بلاغت، با عنوان «الترکیب»

دومین سطح شرح یزدی پس از بخش المفردات به ترکیب اختصاص دارد. این بخش مربوط به مباحث ادبی و
معنایی در ترکیب و سیاق (مباحث نحوی و بلاغی) مانند مباحث ذیل است.

۱. فصل و وصل (ارتباط با بیت سابق)

شاید مهم ترین بخش در سطح ترکیبی، بیان مواضع فصل و وصل ابیات و بیان سبب آن باشد. تبیین شارح در این
جایگاه ها به خوبی مشهود است:

فصل: الف) در بیت ۵ «لولا الهوی...»:

چون مظنه آن بود که عاشق گوید: این انسجام و اضطرار نه از عشق است، جوابش را فریده مفصول

افتاده ... (همان، برگ ۱۷)

ب) در بیت ۱۳۷ «أَحَلَّ أُمَّتَهُ...»:

وجه فصلش از سابق کمال اتصال است، و اشتمال مضمونش بر منشأ لَمَّيْتِ احکام مذکوره و حقیقت آن. (همان، برگ ۹۳)

وصل الف) در بیت ۱۵۰ «وَلَنْ يَفُوتَ...»:

«واو» عاطفه است، عطف مضمون بیت بر مضمون سابق، نظیر عطفِ قَضَهُ بر قَضَهُ ... (همان، برگ ۱۰۰)

۲. جایگاه اعرابی و نقش کلمات

شارح از پرداختن به مسائل اختلافی نحوی دوری می‌کند، چنان‌که پیش از شروع شرح گفته است:

از وجوه محتمله اعرابی، به ذکر وجهی انطباق به سیاق سخن اکتفا خواهد رفت. (همان، برگ ۱۴)

ولی گاه قابلیت تعدد اعراب را برمی‌شمرد. برای مثال درباره «سید» در بیت ۳۴ «مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْكَوْنَيْنِ...» می‌خوانیم: لفظ «سید» را هم استیفای انواع اعراب متصوّر است، خفض به تابعیت فقط و رفع و نصب هم به تابعیت و هم به استقلال، پس اعراب این دو کلمه به وجوه متعدد توجیه پذیرد ... (همان، برگ ۳۳)

۳. انواع و معانی حروف

از نقاط قوت بخش ترکیب، بیان نوع و معانی حروف است.

الف) انواع «ال»:

۱. عهدی: در بیت ۵ «... لِذِكْرِ الْبَيِّنَاتِ وَالْعَلَمِ»:

الف لام از برای عهد و اشارت به بان در ذی سلم و کوه اضم. (همان، برگ ۱۷)

۲. موصولی: در بیت ۳۵ «نَبِيُّنَا الْأَمْرِ...»:

الف و لام در امر و ناهای اسم موصول است به تقدیرالذی یا امروالذی ینهی، لیدل علی التجدد و الاستمرار ... (همان، برگ ۳۳)

۳. عهد ذهنی: در بیت ۱۳۷ «... كَاللَّيْثِ حَلَّ...»:

«اللیث» چون معرّف به عهد ذهنی است، موصوف «حلّ» واقع شده ... (همان، برگ ۹۳)

۴. استغراقی: در بیت ۱۵۲ «يَا أَكْرَمَ الْخَلْقِ...»:

«خلق» به معنی «مخلوق»، معرّف به تعریف استغراقی که شامل ما سوی الله باشد ... (همان، برگ ۱۰۲)

ب) انواع «فاء»:

۱. جزایی: در بیت سوم «فَمَا لِعَيْنَيْكَ...»: «فاء جزایی است و شرط مقدر، ای: إن لم یکن كذلك فما لعینیک ... (همان، برگ ۱۸)

۲. سببی: در بیت ۴۵ «فَإِنَّ فَضْلَ رَسُولِ اللَّهِ...» می‌گوید:

یُعرب: منصوب است به أن مقدر بعد از فاء سببی مسبوق به نفی ... (همان، برگ ۴۱)

۳. تعقیبی: کیف در بیت ۹ «فَكَيْفَ تُنْكِرُ...»:

مصدر به فاء تعقیبی. (همان، برگ ۱۸) نیز در بیت ۳۱ آن را دال بر ترتیب بلا مهلتی گفته است. (همان، برگ ۳۰)

۴. فصیح: در بیت ۱۷ «فَلَا تُرْمِ بِالْمَعَاصِي...» می گوید:

فاء فصیح است به تقدیر آنکه: إذا كانت النفس الأمانة بهذه المثابة فلا ترم ... (همان، برگ ۲۲)

بیان معانی در حروف دیگر مانند «لام» و «من» و «فی» و «باء» و غیره نیز جاری است.

۴. اختلاف نسخ

شارح در اختلاف نسخ به ترجیح یا توجیه آن می پردازد. به نمونه ای بسنده می کنیم: در بیت ۸۳ «وَذَاكَ حِينَ بُلُوغِ مَنْ نُبُوَّتِهِ * فَلَيْسَ يُنْكِرُ فِيهِ حَالَ مُحْتَلِمٍ» دو مورد اختلاف روایت وجود دارد که شارح به توجیه و تعلیل هریک می پردازد:

اسمیه حال از فاعل متعلق «من رؤیاه» به روایت «واو» و عطف بر مستأنفة مصدر به «إن»، و تفریع بر آن به روایت «فاء».

و در ادامه نیز چنین آورده است:

کیف که در بعضی نسخ به جای «لیس» وارد شده، مراد از او انکار و استبعاد باشد، و مآل معنی همان بود که در روایت اشهر. (همان، برگ ۶۴) نیز بیت ۸۷. (همان، برگ ۶۶ و ۶۷)

بدیهی است که این امر در معنا و ترجمه نیز مؤثر است و شارح در بخش حاصل الفحوی بدان توجه کرده است.

۵. استشهاد به آیات قرآن و متون

آیات قرآن یا متون دیگر در تمام شرح نمود دارد و در بیان معانی حروف یا موارد دیگر به کار رفته است.

۶. استناد به منابع

در بخش ترکیب نسبت به بخش مفردات استناد چندانی وجود ندارد. در یک مورد استناد به کتاب رضی الدین استرآبادی کرده است. در بیت ۹۷ «لَهَا مَعَانٍ كَمَوْجٍ...» در ابتدای به نکره گوید: كما حَقَّقَهُ الشَّارِحُ الرَّضَوِيُّ لِلْكَافِيَةِ. (همان، برگ ۷۳)

گاه بدون ذکر نامی، به «بارعان در عربیت» (همان، برگ ۱۴) یا «بارعان در فصاحت و بلاغت» (همان، برگ ۵۱) و مانند آن اشاره شده است.

سطح سوم: معنا و دلالت و ترجمه با عنوان «حاصل الفحوی»

چنان که از نام این بخش پیداست، شارح در آن به بیان مفهوم و ترجمه ابیات بر اساس دو سطح پیشین می پردازد.

ترکیب و مفردات در حاصل الفحوی تأثیر دارد. وی در پایان حاصل الفحوی سخن را با ربط میان دو بیت جاری و لاحق به بیت بعد متصل می کند که بسیار در ربط لفظ و معنا اهمیت دارد. برای مثال در بیت ۵۸ «لَا طَيْبَ...» می گوید:

و بعد از استسعاد به کرامت زیارت. رزقنا الله بالخیر والحسنى. شروع در نشر معجزات زهارات که عموم امت ارجمند از آن محظوظ و بهره مند می توانند شد به توفیق ربانی رفته که: «أَبَانَ مَوْلِدُهُ...». (همان، برگ ۵۱)

و در ترکیب بیت ۵۹ در دلیل فصل می گوید:

چون در این فریده مصدری خلاف سابق به فعلیه شروع رفته در ذکر دلایل و امارات معجزات

باهرات، و آغاز اسلوبی جدید است از سخن، وجه فصلش بسی ظاهراست. (همان)

ویژگی‌های بارز شرح یزدی

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان بارزترین ویژگی‌های شرح را چنین برشمرد:

۱. بیان ارتباط معنایی ابیات پس و پیش
ارائه قصیده به مثابه یک کَلّ و بیان ارتباط ابیات: ۱. در ترکیب با بیان دلیل وصل یا فصل بیت ۲. در حاصل الفحوی با بیان ارتباط مفهومی ابیات پس و پیش.

۲. استناد به منابع مختلف

برخی از منابع وی غیر از منابع لغوی که گذشت، از این قرارند:

منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری؛ (همان، تنبیه ۱۰: برگ ۷) شرح اللباب؛ شرح اسماعیل الفالی بر اللباب فی علل النحو اثر ابوالبقاء عکبری (۶۱۶)؛ (همان، ذیل بیت ۲۲: برگ ۲۵) رساله «محمّدیّه» از صاحب مفاحص صائِن الدین علی بن محمد بن محمد بن ترکه اصفهانی (۸۳۶ هـ)؛ (همان، تنبیه ۹: برگ ۷) رساله بسمله از همو؛ (همان) رساله انزالیه از همو؛ (همان، ذیل بیت ۹۱: برگ ۷۰) شرح رضی الدین استرآبادی بر کافیه ابن حاجب؛ حلال مطرز، اثر خود شارح؛ (همان: برگ ۶ و ۶۷ و ۸۱) شیخ جنید بغدادی؛ (همان، ذیل بیت ۹۳: برگ ۷۱) قرآن و حدیث مانند صحیح مسلم، اشعار فارسی (حدود ۶۶ بیت و مصراع که به نظر می‌رسد از خود او نیز باشد) و عربی (حدود ۶ بیت).

۳. اهتمام به اختلاف روایات

۴. که بیان آن تحت عنوان اختلاف نسخه آمد. جامعیت و دقت شرح (در سه سطح مفردات، ترکیب و حاصل الفحوی)

نتیجه

۱. مشخص شد که شرح و ترجمه فارسی موضوع بحث، تألیف شرف‌الدین علی یزدی است، نه عبدالوهاب استرآبادی.

۲. شرف‌الدین یزدی شرح را در سه سطح مفردات، ترکیب و حاصل الفحوی و با مقدمه‌ای طولانی در بیست تنبیه در بیان عرفانی شأن پیامبر (ص) تصنیف کرده است.

۳. وی در شرح خود از منابع مختلفی در لغت، عرفان و قواعد عربی و شروح گذشته بهره گرفته است و از کتاب‌های مهمی که به آن ارجاع داده است، در لغت مفردات راغب و صحاح جوهری و اساس البلاغه و الفائق زمخشری است.

۴. از مهم‌ترین ویژگی‌های شرح یزدی می‌توان به جامعیت شرح در سه سطح مذکور، اختلاف روایات شعر، بیان اتصال ابیات پس و پیش با هم، بیان معانی حروف عطف و جرو... اشاره کرد.

کتابنامه

۱. احمدی، حسین؛ «شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامه او»؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۴، ص ۲۱ تا ۲۴، ۱۳۷۹.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن؛ طبقات اعلام الشیعه؛ ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.
۳. _____؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعه؛ ج ۱، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳هـ.
۴. افندی، عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی؛ ج ۲، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۹.
۵. امین، محسن؛ اعیان الشیعه؛ تصحیح: حسن امین؛ بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۶. جناب، علی؛ رجال و مشاهیر اصفهان (الاصفهان)؛ ترجمه رضوان پورعصار؛ ج ۱، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.
۷. جوهری، اسماعیل؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة؛ ج ۱، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶.
۸. حاجی خلیفه، مصطفی؛ کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون؛ ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۹. خوانساری، محمدباقر؛ روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات؛ ج ۱، قم، دهاقانی (اسماعیلیان)، ۱۳۹۰ق.
۱۰. رازی، محمد بن ابی بکر؛ مختار الصحاح؛ ترتیب: محمود خاطر؛ ج ۱، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ج ۱، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر؛ اساس البلاغة؛ ج ۱، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۹م.
۱۳. _____؛ الفائق؛ ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷هـ.
۱۴. فتوحی یزدی، عباس؛ تذکره شعرای یزد (مقدمه ایرج افشار)؛ ج ۳، یزد، اندیشمندان یزد، ۱۳۸۲.
۱۵. کهنودی، محمدکاظم؛ «شرح احوال و آثار شرف‌الدین یزدی»؛ مجله آشنا؛ سال سوم، ش ۱۳، ص ۷۲-۸۰، ۱۳۷۲.
۱۶. گویاموی، محمد قدرت‌الله؛ تذکره نتایج الافکار؛ یوسف بیگ باباپور؛ ج ۱، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۷. محدث، علی؛ شرح قصیده برده؛ شارح قرن نهم، ج ۱، تهران، مرکز انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۱.
۱۸. لودی، شیرعلیخان؛ تذکره مرآة الخیال؛ اهتمام: بهروز صفرزاده؛ حمید حسنی؛ ج ۱، تهران، روزنه، ۱۳۷۷.
۱۹. مدرس افغانی، محمدعلی؛ جامع المقدمات؛ ج ۲۴، قم، هجرت، ۱۳۹۲.
۲۰. یزدی، شرف‌الدین علی؛ شرح برده؛ نسخه خطی، کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، به شماره ۶۰۱، ۱۳۹۲.